افق جهانی اندیشه تمدنی آیت‌ا... خامنه‌ای



یکی از مهم‌ترین ابعاد شخصیت آیت‌ا... سید علی خامنه‌ای که کمتر در مطالعات غربی و حتی برخی پژوهش‌های داخلی مورد توجه قرار گرفته، نگاه فراملی و تمدنی ایشان به موضوع وحدت اسلامی است. بسیاری از رهبران سیاسی در چارچوب مرزهای جغرافیایی کشور خود می‌اندیشند و دغدغه اصلی آنان حفظ منافع ملی است؛ اما در منظومه فکری آیت‌ا... خامنه‌ای، در کنار توجه به منافع ملی ایران، مفهوم «امت اسلامی» جایگاهی بنیادین دارد. این مفهوم نه یک شعار سیاسی، بلکه یکی از ارکان اصلی پروژه تمدن نوین اسلامی است.

برای فهم این مسئله باید به مبانی قرآنی آن بازگردیم. قرآن کریم مسلمانان را یک امت واحد معرفی می‌کند:

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»

«این امت شما، امت یگانه‌ای است و من پروردگار شما هستم، پس مرا عبادت کنید.» (انبیاء: ۹۲)

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»

«همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید.» (آل عمران: ۱۰۳)

آیت‌ا... خامنه‌ای وحدت اسلامی را پیش از آنکه یک ضرورت سیاسی بدانند، یک تکلیف دینی و قرآنی تلقی می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۶۸). از نگاه ایشان، اختلاف میان مذاهب اسلامی امری تاریخی و علمی است و تا زمانی که با احترام متقابل همراه باشد، مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ آنچه خطرناک است، تبدیل اختلافات مذهبی به ابزار دشمنی، درگیری و تجزیه امت اسلامی است.

در اندیشه ایشان، یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های دو قرن اخیر جهان اسلام، پراکندگی و تفرقه بوده است. در زمانی که کشورهای اسلامی از نظر جمعیت، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و سرمایه‌های انسانی از ظرفیت‌های عظیمی برخوردارند، اختلافات داخلی مانع از ایفای نقش تاریخی آنان در جهان شده است. به همین دلیل، آیت‌ا... خامنه‌ای وحدت اسلامی را نه تنها یک آرمان دینی، بلکه یک ضرورت تمدنی می‌دانند.

از منظر ایشان، تمدن اسلامی تاریخی نیز زمانی توانست به شکوفایی برسد که مسلمانان با وجود تفاوت‌های قومی، زبانی و مذهبی، خود را متعلق به یک پیکره بزرگ‌تر می‌دانستند. در دوران شکوفایی تمدن اسلامی، اندیشمندان ایرانی، عرب، ترک، بربر و دیگر اقوام مسلمان در ساختن یک تمدن مشترک مشارکت داشتند. شخصیت‌هایی مانند ابن‌سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی و ابن رشد متعلق به یک ملت خاص نبودند، بلکه سرمایه‌های مشترک تمدن اسلامی محسوب می‌شدند.

آیت‌ا... خامنه‌ای معتقدند که جهان اسلام امروز نیز برای بازگشت به جایگاه تمدنی خود، نیازمند احیای همین احساس همبستگی است. البته مقصود ایشان از وحدت، حذف مذاهب یا یکسان‌سازی عقاید نیست. ایشان بارها تصریح کرده‌اند که شیعه و سنی باید بر اصول مشترک تکیه کنند و اختلافات علمی را به میدان نزاع سیاسی و اجتماعی تبدیل نکنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

در این زمینه، حدیث مشهور پیامبر اکرم(ص) مورد استناد قرار می‌گیرد:

«الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا»

«مؤمن نسبت به مؤمن همچون بنایی است که اجزای آن یکدیگر را استحکام می‌بخشند.» (صحیح بخاری، کتاب الأدب)

همچنین پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِینَ فِی تَوَادِّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ کَمَثَلِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ»

«مؤمنان در دوستی و مهربانی و همدلی همچون یک پیکرند.» (صحیح مسلم، کتاب البر و الصلة)

این روایات، مبنای دینی نگاه وحدت‌گرایانه‌ای است که در اندیشه آیت‌ا... خامنه‌ای جایگاه برجسته‌ای دارد.

دیپلماسی فرهنگی؛ زبان مشترک تمدن‌ها

یکی از ابعاد مهم اندیشه آیت‌ا... خامنه‌ای که در سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته، نقش «دیپلماسی فرهنگی» در روابط میان ملت‌هاست. از نگاه ایشان، ارتباط میان تمدن‌ها نباید تنها از دریچه روابط سیاسی یا اقتصادی تعریف شود، بلکه فرهنگ، اندیشه، هنر، علم و اخلاق می‌توانند زمینه‌ساز تفاهمی عمیق‌تر و پایدارتر میان ملت‌ها باشند. تمدنی که تنها با زبان قدرت سخن بگوید، هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت نفوذی سیاسی پیدا کند، اما قادر نخواهد بود اعتماد و احترام ملت‌ها را به دست آورد.

در منظومه فکری آیت‌ا... خامنه‌ای، فرهنگ یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم است. به همین دلیل، ایشان همواره بر گسترش ارتباطات علمی، دانشگاهی، ادبی، هنری و دینی میان ملت‌ها تأکید کرده‌اند. چنین ارتباطی نه به معنای استحاله فرهنگی، بلکه فرصتی برای معرفی حقیقت اسلام، تبادل تجربه‌های انسانی و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز است.

قرآن کریم نیز اصل گفت‌وگو را بر پایه حکمت و اخلاق استوار می‌کند:

«ادْعُ إِلَى سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ

بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ»

«با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با بهترین شیوه با آنان گفت‌وگو نما.» (نحل: ۱۲۵)

از این منظر، دیپلماسی فرهنگی صرفاً ابزاری برای معرفی یک کشور نیست، بلکه بخشی از رسالت تمدنی اسلام در معرفی ارزش‌هایی همچون عدالت، کرامت انسانی، معنویت، عقلانیت و اخلاق به جامعه جهانی است. آیت‌ا... خامنه‌ای بارها تأکید کرده‌اند که ملت‌ها بیش از آنکه با قدرت نظامی جذب شوند، با صداقت، عدالت، فرهنگ و رفتار انسانی ارتباط برقرار می‌کنند. از این رو، دیپلماسی فرهنگی را باید یکی از ابزارهای اساسی تمدن نوین اسلامی برای حضور فعال و مسئولانه در عرصه بین‌المللی دانست.

وحدت اسلامی و گفت‌وگوی تمدنی، افق جهانی اندیشه تمدنی آیت‌ا... خامنه‌ای

نخبگان و دانشگاه‌ها؛ پل‌های تقریب و گفت‌وگوی تمدنی

از نگاه آیت‌ا... خامنه‌ای، تحقق وحدت اسلامی تنها با بیانیه‌های سیاسی یا نشست‌های رسمی امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند مشارکت فعال نخبگان، دانشگاهیان، حوزه‌های علمیه، مراکز پژوهشی و اندیشمندان جهان اسلام است. تمدن‌ها پیش از آنکه در عرصه سیاست ساخته شوند، در عرصه اندیشه و علم شکل می‌گیرند و به همین دلیل، مسئولیت نخبگان در ایجاد فهم متقابل میان ملت‌ها بسیار سنگین است.

در تاریخ تمدن اسلامی نیز این واقعیت به‌روشنی مشاهده می‌شود. مراکزی همچون بغداد، نیشابور، قاهره، قرطبه و اصفهان محل گفت‌وگوی دانشمندان با گرایش‌های مختلف فکری و مذهبی بودند. همین فضای علمی و آزاداندیشانه، زمینه‌ساز شکوفایی تمدنی جهان اسلام شد. آیت‌ا... خامنه‌ای نیز بارها بر احیای کرسی‌های نظریه‌پردازی، گفت‌وگوهای علمی و همکاری‌های دانشگاهی میان کشورهای اسلامی تأکید کرده‌اند و آن را یکی از الزامات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند.

این نگاه با آموزه قرآنی «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۷ـ۱۸) نیز هماهنگ است؛ آیاتی که انسان مؤمن را به شنیدن دیدگاه‌های گوناگون و انتخاب بهترین آنها فرا می‌خواند. بر این اساس، گفت‌وگوی علمی نه نشانه ضعف، بلکه نشانه اعتماد به حقیقت و ظرفیت عقلانی تمدن اسلامی است.

از این منظر، دانشگاه‌ها و مراکز علمی تنها محل آموزش نیستند، بلکه کانون‌های تولید اندیشه، تقریب فرهنگی و هم‌افزایی تمدنی‌اند. هرچه ارتباط علمی میان ملت‌های مسلمان گسترده‌تر شود، زمینه برای کاهش سوءتفاهم‌ها و افزایش همکاری‌های فرهنگی و تمدنی نیز فراهم‌تر خواهد شد.

اما یکی از ابعاد مهم و کمتر مورد توجه این اندیشه، ارتباط آن با مفهوم «گفت‌وگوی تمدنی» است. برخلاف تصویری که برخی رسانه‌ها ارائه می‌کنند، آیت‌ا... خامنه‌ای رابطه میان اسلام و جهان معاصر را صرفاً در قالب تقابل و نزاع تعریف نمی‌کنند. ایشان میان «سلطه» و «تعامل» تفاوت قائل‌اند. از دیدگاه ایشان، مسلمانان باید در برابر سلطه و تحمیل مقاومت کنند، اما در عرصه علم، فرهنگ، اخلاق و مسائل انسانی با دیگر ملت‌ها و تمدن‌ها گفت‌وگو و همکاری داشته باشند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

این نگاه ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد. خداوند می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»

«ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبایل قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.» (حجرات: ۱۳)

این آیه نشان می‌دهد که تنوع فرهنگی و قومی نه تهدید، بلکه فرصتی برای شناخت متقابل و تعامل انسانی است. آیت‌ا... خامنه‌ای نیز بر این باورند که تمدن نوین اسلامی باید بتواند با سایر فرهنگ‌ها وارد گفت‌وگویی سازنده شود و سهم خود را در حل مسائل جهانی ایفا کند.

در همین چارچوب، ایشان بارها از گفت‌وگو با رهبران مسیحی، اندیشمندان دینی و شخصیت‌های فرهنگی جهان استقبال کرده‌اند. برای نمونه، پیام‌های متعدد ایشان به جوانان اروپا و آمریکای شمالی پس از موج اسلام‌هراسی در غرب، تلاشی برای گفت‌وگوی مستقیم با افکار عمومی جهانی بود؛ گفت‌وگویی که بر شناخت بی‌واسطه اسلام و پرهیز از پیش‌داوری‌ها تأکید داشت (خامنه‌ای، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴).

از منظر ایشان، جهان آینده نمی‌تواند بر پایه سلطه یک تمدن بر سایر تمدن‌ها اداره شود. تمدن غرب، علی‌رغم دستاوردهای مهم خود، نمی‌تواند تنها مرجع فرهنگی و اخلاقی بشر باقی بماند. در مقابل، تمدن نوین اسلامی نیز نباید در پی سلطه بر دیگران باشد؛ بلکه باید با ارائه الگویی متوازن از علم،

معنویت، عدالت و کرامت انسانی، در گفت‌وگوی جهانی مشارکت کند.

در واقع، آیت‌ا... خامنه‌ای به نوعی «جهانی‌شدن مبتنی بر عدالت و تنوع فرهنگی» می‌اندیشند؛ جهانی که در آن ملت‌ها هویت خود را حفظ می‌کنند، اما در عین حال در حل مسائل مشترک بشری با یکدیگر همکاری می‌کنند. چنین نگاهی با پروژه تمدن نوین اسلامی نیز کاملاً هماهنگ است؛ زیرا تمدن اسلامی مطلوب ایشان تمدنی بسته و منزوی نیست، بلکه تمدنی فعال، اثرگذار و گفت‌وگومحور است.

از این رو، وحدت اسلامی در اندیشه آیت‌ا... خامنه‌ای صرفاً یک مسئله مذهبی نیست؛ بلکه مقدمه‌ای برای ایفای نقش تمدنی جهان اسلام در عرصه جهانی است. همان‌گونه که تمدن اسلامی گذشته از دل همبستگی ملت‌های مسلمان شکل گرفت، تمدن نوین اسلامی نیز بدون همکاری و همگرایی امت اسلامی تحقق نخواهد یافت.

نظم جهانی آینده؛ عدالت به جای سلطه

یکی از افق‌های مهم اندیشه آیت‌ا... خامنه‌ای، ترسیم نظمی جهانی است که بر پایه عدالت، احترام متقابل و کرامت انسان استوار باشد. ایشان معتقدند که بسیاری از بحران‌های کنونی جهان، از جنگ‌های طولانی گرفته تا فقر، تبعیض، مهاجرت‌های گسترده، تخریب محیط زیست و بی‌اعتمادی میان ملت‌ها، نتیجه غلبه منطق سلطه بر روابط بین‌الملل است. از این رو، آینده مطلوب جهان نه در استمرار این الگو، بلکه در حرکت به سوی نظمی عادلانه‌تر رقم خواهد خورد.

در این چارچوب، وحدت اسلامی و گفت‌وگوی تمدنی دو ابزار مکمل برای مشارکت فعال جهان اسلام در ساخت آینده جهان به شمار می‌آیند. وحدت، ظرفیت‌های درونی امت اسلامی را فعال می‌کند و گفت‌وگو، امکان تعامل سازنده با سایر ملت‌ها و تمدن‌ها را فراهم می‌آورد. نتیجه چنین رویکردی، جهانی خواهد بود که در آن همکاری جایگزین سلطه، احترام متقابل جایگزین تحقیر ملت‌ها و عدالت جایگزین تبعیض گردد.

قرآن کریم یکی از اهداف رسالت پیامبران را برپایی عدالت در جامعه انسانی معرفی می‌کند:

«لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

«تا مردم به عدالت قیام کنند.» (حدید: ۲۵)

این آیه نشان می‌دهد که عدالت، آرمانی محدود به یک ملت یا یک منطقه نیست، بلکه افقی جهانی دارد. از نگاه آیت‌ا... خامنه‌ای نیز تمدن نوین اسلامی زمانی به کمال خود نزدیک می‌شود که بتواند در کنار حفظ هویت اسلامی، در تحقق صلح عادلانه، دفاع از کرامت انسان، حمایت از ملت‌های مظلوم و گسترش اخلاق در روابط بین‌الملل سهمی مؤثر ایفا کند.

از این منظر، گفت‌وگوی تمدنی نه به معنای چشم‌پوشی از اصول و ارزش‌ها، بلکه روشی برای عرضه منطقی و اخلاقی این ارزش‌ها به جهان است؛ روشی که بر حکمت، عدالت، احترام متقابل و مسئولیت مشترک ملت‌ها در قبال آینده بشریت استوار است.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که وحدت اسلامی و گفت‌وگوی تمدنی دو روی یک سکه‌اند: وحدت، انسجام درونی امت اسلامی را تأمین می‌کند و گفت‌وگو، زمینه تعامل سازنده آن با جهان را فراهم می‌سازد. این دو عنصر در کنار یکدیگر، افق جهانی اندیشه تمدنی آیت‌ا... خامنه‌ای را شکل می‌دهند؛ افقی که در آن اسلام نه به عنوان یک قدرت سلطه‌گر، بلکه به عنوان یک نیروی معنوی، اخلاقی و تمدنی در خدمت تعالی بشریت قرار می‌گیرد.

منبع: مصاحبه حجت الاسلام دکتر مختاری سفیر ایران در واتیکان با ایرنا